

"جبهه ملی مرکز اعزاب واجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی واستقلال ایران ندارند"

از نامه جناب آقای دکتر صدق

شماره اخیر پیام دانشجو که حاوی دو نامه از پیشوای ملت جناب آقای دکتر محمد صدق بود بعد از انتشار بزودی نایاب شد خواست طبقات مختلف مردم نسبت به آگاهی از مضمون نامه ها اداره کنندگان پیام دانشجو را بر آن داشت که به تکثیر فوری آن اقدام کنند.

جبهه ملی در آستانه تحول از لحاظ هدف - شمار - تشکیلات

هیئت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران بمناسبت فرا رسیدن نوروز نامه مفصلی متضمن تبریک سال نو و گزارش فعالیت های سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا برای پیشوای ملت جناب آقای دکتر صدق فرستاده بودند که پیشوای ملت این نامه را به تفصیل پاسخ گفتند.

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران نیز ضمن ارسال دو شماره اخیر پیام دانشجو برای پیشوای ملت از ایشان درخواست کردند که چنانچه صلاح بدانند نظریات خود را در باب تشکیلات جبهه ملی و روش مبارزه ای که پیام دانشجو باید تبلیغ کند ابلاغ نمایند. پیشوای ملت در پاسخ این نامه نظریات خود را بتفصیل مرقوم فرموده اند. ما برای آگاهی ملت ایران از نظریات پیشوای خود به ترتیب متن پاسخ جناب آقای دکتر صدق را به هیئت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران و نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران را به پیشوای و جواب ایشان را درج می کنیم.

ملت ایران ملاحظه خواهند کرد که پیشوای ملت با روشن بینی جبهه ملی را در آستانه تحولی بزرگ که میتواند آنرا شایسته نام و زین تاریخی خود سازد قرار داده است.

۱ - نامه جناب آقای دکتر صدق به هیئت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران

احمدآباد ۳ فروردین ماه ۱۳۴۳

هیئت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران

نامه ی مورخ ۱۴ اسفند عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید گرچه عیدی برای ما نیست که تبریک عرض کنم با این حال از این عید سیاسی که در دسترس ما قرار داده اند باید استفاده کنیم و هرچه هست گفته شود از رنج و غصه ای که داریم قدری بکاهیم اینکه مرقوم شده است جواب نامه ی آن هیئت محترم را عرض ننموده ام از این جانب چنین خلاف ادبی سر نزده و ممکن است بجهاتی معروضه بمتصد نرسیده است و اکنون رونوشتی از آن جواب تهیه شده که ارسال میشود و یقین دارم رفع سوء تفاهم خواهد شد نامه را هر کس داده جواب گرفته است جای بسی تشکر است که آن هیئت محترم از جریان کار در سازمانهای اروپائی جبهه ملی که اطلاعاتی نداشتیم این جانب را مستحضر فرموده اند و با اینکه از پیام ۳ دیماه ۱۳۴۱ این جانب با اولین کنگره جبهه ملی ایران بوسیله نوار مستحضر شده اید در صدور انحلال احزاب بر آمده و هر کجا که موفق شده اید نتیجه ی خوبی از آن گرفته اید که بنده تصور میکنم کار خوبی نشده مگر اینکه از مخالفین باشند و غیر از این جبهه ملی حزب نیست که با مرامهای زیاد بتواند افرادی را از نظر توجه بمرام دور خود جمع کند جبهه ملی را باید مرکز احزاب کشور دانست که همه بیک اصل معتقد باشند و آن آزادی و استقلال مملکت است. چنانچه احزاب واجتماعات در جبهه شرکت نکنند جبهه همان میشود که اکنون شده است و پشتیبان جبهه همان چند نفری خواهند بود که جبهه برای تشکیل شورا انتخاب نموده است جبهه نباید در صلاحیت احزاب و اجتماعات بحث کند و چنانچه دولت از روی غرض حزب یا جمعیتی را منحل نمود انوقت است که جبهه میبایست از آن دفاع کند بنا بر این هر يك از احزاب واجتماعات می توانند نمایند خود را برای شرکت در انجام وظایف روانه ی جبهه کنند و جبهه او را بپذیرد و چنانچه با صلاحیت آن نماینده موافق نباشد اعزام نماینده ی دیگری را از آن حزب یا جمعیت تناضا کند چنانچه بمرامنامه يك حزبی مراجعه شود ملاحظه فرمایید فرمود که علل بی شماری باعث موجودیت آن شده و غیر از این افراد حاضر نمی شوند در يك اجتماع شرکت کنند و در صورت انحلال دیگر مرامی نیست که باعث تجمع شود و هواخواهان جبهه همان عده ای هستند که جبهه از نظر سابقه و اشنائی انتخاب کرده و قادر نیستند يك قدم در راه دفاع بردارند.

پیشرفت این جانب در سالهای قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روی این اصل بود که نسبت بمرام و مسلک احزاب هیچ نظری نداشتیم و سلاح ما منحصراً جمع آوری افراد بود که همگی معتقد بیک اصل بودند و لزماً استقلال ایران دفاع می کردند و روز سی ام تیر ۱۳۳۱ ثابت کردند که مدافعین حقیقی مملکتند.

نظر باینکه پیام این جانب با اولین کنگره جبهه ملی ایران ممکن است در دسترس آقایان محترم نباشد نسخه دومی که از آن هست تقدیم و عرض میکنم این جانب هیچوقت نمی خواستم در این زندان که از همه جا بی غیرم در امور جبهه دخالت کنم از این جانب خواستند پیامی فرستادم ولی بان ترتیب اثر ندادند و جبهه را بصورتی در آوردند که قادر به هیچ عملی نیست و این انشعابی که بوقوع پیوسته و سبب گردید عده ای تحت تصدیب قرار گرفتند نتیجه ی عملیات جبهه است چنانچه نسبت با احزاب بیک طریق عمل میکردند و از هر حزبی يك نماینده می پذیرفتند حزب مزبور هم يك

نماینده میفرستاد و این اختلافت روی نمی داد .

و اما راجع بتعیین رهبر که یکی از خواسته های آقایان است چنانچه در حیات این جانب این کار بشود کسی اطاعت نخواهد نمود و برای بعد از حیات هم شغل رهبری موروثی نیست که کسی برای بعد از حیات خود رهبر تعیین کند تعیین رهبر از حقوق بلا تردید ملت ایران است که هر که را شایسته دانست عملاً رهبر کند یعنی اطاعت نماید بنا بر این هر کس بوطن عزیز خود خدمت نمود عملاً رهبر است .

راجع بعکسی که ارسال فرموده اید نظریات آن هیئت محترم را تأیید میکنم و باستحضار میرسانم که کاری برخلاف حقیقت نشده و حقیقت این بود که عموم هموطنان از بیانات این جانب مطلع شوند بنا بر این آن را نه روی یک عکس بلکه روی بسیاری از عکسها می توان قرار داد که هموطنان عزیز عموماً مطلع شوند و آن را عملی کنند . در مرقومه مطالب دیگری هم بود که چون در زندان بسر میبرم و غیر از خانواده خود با کسی حق ملاقات ندارم از انجام آن معذورم و در خاتمه توفیق آقایان محترم را در خدمت با ایران وطن عزیزم از خدا خواهانم .

دکتر محمد مهدی

نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران بجناب آقای دکتر مهدی

تهران ۱۹ فروردین ماه ۱۳۴۳

کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران افتخار دارد که دوشماره اخیر نشریه پیام دانشجویان سازمان را به پیوست حضور پیشوای ملت تقدیم کند . سازمان دانشجویان با این نتیجه رسیده است که آزادی و استقلال ایران آنطور که مورد نظر پیشوای ملت است تنها با تعطیل نکردن مبارزه و کوشش و فعالیت مستمر و مداوم بدست خواهد آمد و با تدبیر سبک و روش پیام دانشجویان سعی کرده است که باین فکر تحقیق بپردازد .

اینک از حضور پیشوای ملت استدعا دارد که چنانچه صلاح میدانند نظرات خود را در مورد مقالات مندرجه و راه و روش را که در باره تشکیلات و نحوه مبارزه پیام دانشجویان باینکه بدست فرمایند .

نامه پیشوای ملت در پاسخ نامه سازمان دانشجویان

احمدآباد ۲۸ فروردین ماه ۱۳۴۳

کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

نامه مورخ ۱۹ فروردین عز وصال ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید اینک مرقوم فرموده اید نظریات خود را در باره تشکیلات و نحوه مبارزات بان سازمان محترم عرضه کنم قبلاً لازم است مقدمه ای از آنچه در راه ابتدای هدف ملت ایران بکار رفته است بنویسم و بعد نظریات خود را در باب تشکیلاتی که بتواند از این هدف دفاع کند اظهار نمایم .

اکنون شرحی راجع بنمایندگان دوره ی ۱۷ تقنینیه عرض میکنم که گفته میشد ۴۰ نفر از آنها که اکثریت داشتند با دولت موافق و ۳۵ نفر دیگر مخالف دولت بودند و چون عده ی نمایندگان مجلس طبق قانون انتخابات که در دسترس نیست بیش از این بود لازم است در این باره توضیحاتی داده شود که چرا در مجلس بیش از ۷۵ نفر وارد نشده نظر باینکه قبل از خاتمه انتخابات این جانب برای دفاع از حقوق ملت ایران در دیوان بین المللی لاهه حاضر شوم و میخواستند در غیاب این جانب در هر محل که انتخابات میشد بلوا و غوغا بر پا کنند و این کار سبب شود که حواس این جانب متوجه انتخابات گردد و نتوانم وظایف خود را در دیوان بین المللی انجام دهم انتخاب بقیه نمایندگان را موکول بمراجعت کردم و بعد هم انتخاباتی نشد و ملت ایران هم از این عمل که در خیر مملکت شده بود اظهار عدم رضایت نکرد چونکه میدانستند داشتن نماینده در مجلس به از این است که نماینده در مجلس باشد و بضرر مملکت رأی بدهد .

این اکثریت و اقلیتی که در مجلس تشکیل شده بود تا چندی بوالایف خود عمل میکرد انتخابات رئیس مجلس که بیش آمد عده ای منحرف شدند و اکثریت از دست رفت و بعد خواستند از آن استفاده کنند و طبق مقررات قانون اساسی دولت را استیضاح کنند و از کار بیندازند و نشه این بود که یکی از مخالفین دولت را برای نظارت در کار اسکناس انتخاب کنند و او که به بانک ملی رفت گزارشی بر علیه دولت بدهد و ثابت کند که دولت برخلاف قانون ۳۰۰ ملیون تومان از نشر اسکناس سوء استفاده نموده است و چون دولت آن نماینده را برای اجرای قانون در بانک دعوت نمود دولت را استیضاح کردند و دولت نگرانی نداشت که در نتیجه ی استیضاح حیثیاتش از دست برود چونکه متجاوز از ۲۵۰ ملیون از این وجه برای اجرت کارگران معادن نفت بکار رفته بود و دولت نمی توانست بعلت نبودن عواید نفت آنها را گرسنه بگذارد که اغتشاش کنند و مخالفین بگویند ملت ایران تا در نیست معادن نفت خود را اداره نماید و بقیه وجه مزبور هم صرف مخارجی از همین قبیل شده بود نگرانی از این جهت بود که دولت را استیضاح کنند و هدف ملت ایران از بین برود این بود که طبق یکی از مواد ائین نامه مجلس تصمیم گرفتیم مدت یکماه در جواب استیضاح تأخیر شود و در مجلس حاضر نشویم و چون این کار یک نتیجه ی قطعی نداشت و بعد از یک ماه باز دولت میبایست در مجلس حاضر و عزل شود چنین بنظر رسید که تکلیف دولت را ملت ایران بوسیله ی رفتارند معلوم کند اگر ملت با بقیه ی دولت موافق نبود به ابتدای مجلس رأی بدهد و دولت از کار خارج شود نظر باینکه توسل بفراندم نشه ای را که

بر علیه دولت ترسیم شده بود خنثی میکرد رئیس مجلس نزد من آمد و تقاضا نمود از این کار صرف نظر کنم و من هیچ جوابی نداشتم غیر از اینکه بگویم بمجلسی که از خود نمکری ندارد هرگز نمیروم پنهانی به بروم گذشته از اینکه باید جواب استیضاح را بدهم و عزل شوم هدف ملت ایران را هم باید از مجلس بغانه خود ببرم و در آنجا با خود دفن کنم و چون مذاکرات به نتیجه نرسید رئیس مجلس رفت و بلافاصله دستور اجرای فرمانم داده شد و همه دیدند که ملت ایران با چه اکثریت تریب با تفاق دولت را تثبیت کرد نظر با اینکه راه دیگری برای عزل دولت نبود بدستخط شاهنشاه متوسل شدند که این جانب حاضر شدم از همه پیر خود بگذرم و در راه آزادی و استقلال وطن عزیزم از هر گونه فداکاری خودداری نکنم .

اکنون بسیار خوشوقتم که این فداکاری بی اثر نبود و شما جوانان و بصمیت های وطن پرست در راه آزادی و استقلال ایران از هر گونه فداکاری دریغ ننموده و از همه پیر خود گذشته اید برای اینکه هدف ملت ایران را حفظ کنید ولی باید دانست که با اساسنامه فعلی این هدف روز بروز ضعیف تر میشود تا کار بجائی رسد که آن را فراموش کنند و از آن جز اسم پیزی باقی نگذارند .

و اما اینکه مرتوم فرموده اید نظریات خود را در باره ی تشکیلات و نحوه مبارزات عرض کنم راجع بتشکیلات چون از حدود مطالعه خارج نیست میتوانم نظریاتی بدهم ولی راجع بنحوه مبارزات از این جانب که در زندان بسر میبرم کاری ساخته نیست چونکه مبارزه هر آن صورتی درمی آید که رهبر جبهه باید تجدید نظر کند وانی غفلت ننماید و تعیین نحوه مبارزه از وظایف هیئت اجرائیه و آن کسی است که برای رهبری انتخاب میشود .

اکنون اجازه میخواهم که عرض کنم شما دانشجویان عزیز جزئی از افراد مملکتید و نمی توانید بتنهاش کاری مفیدی انجام دهید مگر اینکه با سایر تشکیلات مملکتی همکاری کنید و این کار با اساس نامه ای که برای جبهه ملی تنظیم شده به پیچوجه صورت نخواهد گرفت اساس نامه باید طوره تنظیم شود که هر حزب و جمعیت و دسته ای که صاحب تشکیلاتند بتوانند با انتخاب یک یا چند نماینده وارد جبهه شوند در تصمیمات جبهه ملی شرکت کنند و نمایندگان مزبور نظریات جبهه را با اطلاع موکلین خود برسانند و انجام آن را بخواهند .

هر حزب و هر اجتماع برای خود مرامی دارد و هیچوقت حاضرند بی خود از مرام خود دست بکشند و تشکیلات خود را منظر نماید صلاح جبهه ملی هم در این است که کار هر بمرام دیگران نداشته باشد نقطه اجرای مرام خود را تأمین نماید بنا بر این تصریحی که می توان از جبهه ملی نمود این است (( جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند )) این مرام پیزی نیست که یک عده ی قلیل و هر قدر صاحب فکر بتوانند در تمام مملکت آن را اجراء نمایند بلکه مجری این مرام باید ملت ایران باشد گذاردن یک عده ای در خان و عدم پذیرش آن بهر عنوان که باشد برخلاف مصالح مملکت است .

اکنون نظریات خود را برای تشکیل یک جبهه ملی عرض میکنم و تمنا دارم هر گونه اصلاحاتی که لازم است و از نظر این بانوب دور مانده در آن بفرمائید .

(۱) برای تشکیل جبهه یک هیئت موسس لازم است که در یک جلسه حاضر شوند و از هر یک از احزاب و اجتماعات و دستجات که تشکیلاتی دارند تقاضا کنند که برای تشکیل جبهه دو یا سه نفر از اعضای خود را انتخاب کنند و به هیئت موسس معرفی نمایند .

(۲) نمایندگان احزاب و اجتماعات و دستجات جبهه ملی را برای مدت یکسال تشکیل میدهند و پنهانی فردی از افراد جبهه راجع بصلاحت یکی از اعضا اعتراض کند جبهه ملی با رأی مخفی و اکثریت آراء اظهار نظر میکند و این اعتراض ممکن است در تمام مدت سال داده شود و بشرحی که گذشت بموقع اجراء در آید .

(۳) جبهه ملی هیئتی را بنا به هیئت اجرائی از زنان جبهه برای مخفی و با اکثریت آراء انتخاب می کند که تصمیمات جبهه را بموقع اجراء گذارند و هیئت مزبور نیز یک نفر را از بین خود برای اجرائی تصمیمات انتخاب خواهد نمود .

در خاتمه لازم است که عرض کنم از هیئت موسس یک یا دو نفر که مورد اعتماد عموم باشند باید دعوت کنند این دعوت کنندگان و دعوت شدگان هر قدر بیشتر مورد اعتماد جامعه باشند ملت ایران بجبهه بیشتر معتقد میشود و سبب خواهد شد که ملت ایران در تحصیل آزادی و استقلال دچار مشکلاتی نشود و آن را هر چه زودتر بدست آورد . این بود نظریات این هموطن گرفتار شما که باستطاعت رسید دیگر پیزی ندارم که عرض کنم جز اینکه توفیق شما جوانان از خود گذشته و دوستان عزیزم را از خدا بخواهم .